

دانشمندان مشهدی

دستگاه مراقبت از نوزاد تولید کردند

## معاینه نوزاد بدون حضور پزشک!

ما می‌توانیم! خوب هم می‌توانیم! دیگر کشورمان آن قدر در حوزه‌های گوناگون پیشرفت‌های چشمگیری داشته‌است که وقتی کسی می‌گوید «شما که نمی‌توانین سماور بسازین، چه کار دارین به انرژی هسته‌ای و موشک؟!»، به خاطر جمع به چشم‌هایش زل بزنیم، لبخند ملیح کش‌دار تحویلش دهیم! بفرمایید، همین چشم‌روشنی امروزمان را بخوانید تا اگر خواستید به‌روز باسختان رابدهید، چیزی در چنته داشته باشید. برویم به دانشگاه علوم پزشکی مشهد که همیشه پرچمشان در اختراع و درمان بالا بوده‌است. بچه‌های این دانشگاه با همکاری دانشگاه بین‌المللی امام‌رضا(ع) دستگاه مراقبت نوزادی را اختراع کرده‌اند که کودک هر جای شهر باشد، بدون حضورش معاینه‌کنند. احمد شاه فرمت، رئیس مرکز تحقیقات نوزادان دانشگاه علوم پزشکی

مشهد، در توضیح این چشم‌روشنی گفته‌است: «دستگاه مراقبت از نوزاد از راه دور به‌منظور بررسی وضع نوزادان بیماری که می‌توان در منزل از آن‌ها نگهداری کرد، طراحی شده‌است تا پزشک علایم حیاتی را بررسی کند.» دستگاه مراقبت از نوزاد از راه دور با همکاری مشترک مرکز تحقیقات نوزادان دانشگاه علوم پزشکی مشهد و دانشگاه بین‌المللی امام‌رضا(ع) در قالب کار تحقیقاتی ساخته شد و نتایج این کار تحقیقاتی در قالب مقالات در دسترس دیگر پژوهشگران قرار گرفته‌است. دستگاه مراقبت از نوزاد در مراحل پیشرفته‌سازی و تجاری‌سازی قرار دارد تا بتوان از آن برای پیگیری اوضاع نوزادان بیمار به‌ربرد. خوبی این دستگاه این است که نرم‌افزار دستگاه روی تلفن همراه نصب می‌شود و پزشک از راه دور به‌وسیله مچ‌بندی که برای کودک تعبیه شده‌است،



ضربان قلب و اکسیژن نوزاد را بررسی می‌کند. از این دستگاه می‌توان برای مراقبت از نالغان نیز به‌ربرد، به نحوی که بدون نیاز به مراجعه بیمار، وضعیتش بررسی شود.

گپ و گفتی بدون تعارف با تعدادی از جوانان شهرمان که حال مشترک اما رؤیاهای متفاوت دارند

# ز روزگار جوانی خبر چه می‌پرسی؟!!

از زمین تا آسمان با هم تفاوت دارند. آن‌ها را از چهار گوشه شهر انتخاب کردیم و هم کلام شدیم. نه تحصیلاتشان مشابه‌است، نه طرز صحبت کردنشان، نه اعتقادات و شیوه لباس‌پوشیدنشان، نه وضعیت مالی و نه آرزوهایشان. تنها شباهت‌هایی که دارند، خلاصه می‌شود در اینکه جوان اند و همشهری، به‌اضافه شباهتی دیگر که به‌حال دل‌هایشان برمی‌گردد و جای تأمل دارد. گپ و گفت خودمانی ما یک چاشنی مهم‌دیگر هم دارد و آن، تبریک روز جوان‌است؛ تبریک به همه آن‌هایی که حتی اگر از محدوده سنی جوانی عبور کرده‌اند، به‌استناد دل جوان و قلب پرمایه‌شان برانزده این تبریک هستند.

گزارش روز



روزنامه‌نگار قرآن‌شاهین

**جواد متولد ۱۳۷۹ و ساکن محدوده طبرسی است. صحبت‌های او را باگوش شیرین مشهدی بخوانید. عاشق موتور هوندایش است. قه‌ماش همیشه زیر زین موتورش است و هیچ‌وقت از خود جداش نمی‌کند. یک سالی هم می‌شود که پس از یک ماجرای خاطرخواهی، با دختر همسایه عقد بسته‌است.**

**فائزه، چادری و متولد ۱۳۷۵ است و در محدوده نخریسی سکونت دارد. دقیق و کوتاه جواب می‌دهد. شاید**

**چون نگران طولانی شدن صحبت‌هایمان و شیطنت کودکان چهارساله و نه ماهه‌اش است. به تعداد جملاتی که از «شیرین» می‌خوانید، لبخند کشیده بزنید. چون همه حرف‌هایش حتی تلخ‌ترینش را با همین لبخند تحویل‌مان داد. مانوویی کوتاه و مقنعه‌ای که تا نیمه‌های سر عقب رفته، پوششی‌است که هنگام گفت‌وگو با او می‌بینم. سال ۱۳۷۸ به دنیا آمده و در محدوده کوهسنگی ساکن است. نامزد کرده. اما به دلیل برخی اختلاف‌ها، این نامزدی در حد یک اسم شناسنامه‌ای باقی مانده‌است.**

**سعید متولد ۱۳۷۵ و ساکن هاشمیه است. خانه مجردی دارد و کلی حرف عمیق برای گفتن که آدم را یاد کتاب‌های موفقیت می‌اندازد.**

**فائزه: کربلا رفتیم. شمال هم... نه، شمال مال پارسال بود. شیرین: نه، نرفتم. فقط دو روز رفتیم نیشابور و به فامیل سرزدیم. این که سفر حساب نمی‌شود. سفر داخلی یا خارجی را پدر و مادرهایمان گیر می‌دهند و نمی‌گذارند با دوستان برویم. سعید: نه متأسفانه. همه‌اش کاری بوده‌است و به مقصد تهران ۱۰ سالی می‌شود که به علت مشغله‌های کاری سفر تفریحی نرفته‌ام.**

از تفریح و خوشی زندگی‌ات بگو.

**جواد:** ما همه کار می‌کنیم آجی. یعنی کارمان به جایی رسیده‌است که هرچی گیرمان بیاید، خوش آید. در یک ماه که سی روز باشد، اگر سه روز کار کنیم، چندان از رفتار صدا می‌کنیم و می‌رویم سمت بولوار شاهنامه. یک باغ کرایه می‌کنیم برای یک شب و پولش را درنگی دونگی می‌دهیم. خوش می‌گذرانیم دیگر. گاهی هم شب‌ها با رافقا می‌رویم دوردور در خیابان‌هایی که خلوت‌است. تا ساعت یک و دو نصفه شب.

**فائزه:** بیشترش خانوادگی است. باشوهرم آخر هفته‌ها می‌رویم بیرون. هوا خوب باشد، به روستاهای گردشگری سر می‌زنیم یا اینکه به طرفه‌شاندیز می‌رویم. گاهی بچه‌های بریم پارک. گاهی هم بدون همسر می‌روم مهمانی‌های دوستانه و بازار.

**شیرین:** با دوست صمیمی‌ام می‌رویم کافی‌شاپ. آخر هفته‌ها با خانواده می‌رویم طرفه‌شاندیز. گاهی هم با بچه‌ها می‌رویم باغ. بچه‌ها یعنی هم‌کلاسی‌های دبیرستان، دانشگاه و دوستان. مهم این است که خشک نباشند، گیر ندهند، اهل بگو و بخند باشند و به جمع بخورند. پانتومیم بازی می‌کنیم، آهنگ می‌گذاریم، فوتبال تماشا می‌کنیم.

**سعید:** زندگی من تفریحی ندارد. این یک نقطه ضعف است. خوشی‌ام این است که با دوستانم دور هم جمع شویم، گپ بزنیم که باز هم منتهی می‌شود به مسائل کاری. گاهی بلیارد و پی‌اس هم بازی می‌کنیم.

به نظر خود جوانی کرده‌ای؟ اصلاً جوانی کردن یعنی چه؟

**جواد:** نه بابا، جوانی کجا بود؟ دو سال سربازی را به بدبختی گذراندم، گرفتار زن زندگی شدم، خودمان گروا ستیم‌ها! ولی اشتباهه کردیم که خواستیم! اقلاً یکی دو سال باید مجردی می‌کردیم، یعنی سه چهار روز هفته را کار می‌کردیم و بقیه‌اش را می‌رفتیم پی دلمان. سرد و گرم می‌چشیدیم، نه اینکه یکهو بیفتیم توی زندگی و هشت‌مان گرونه‌مان باشد. صبح تا شب فکرمان شده‌است قسط و قرض. **فائزه:** جوانی کردن یعنی سرزنده بودن. لازمه‌اش این است که برای خودت هم وقت بگذاری و کارهای دل‌خواهت را انجام بدهی. مثلاً من دوست داشتم در هفته چندبار بروم شنا، با دوستانم برویم بیرون، کلاس آموزشی شرکت کنم و... با این تعریف خیلی نمی‌توانم جوانی کنم. وقتی مادر می‌شوی،

ناخودآگاه محدودیت‌هایی برای تعریف می‌شود، حتی اگر همسر و خانواده‌ای همراه داشته باشی. کم‌شدن این‌ها به‌مرور می‌تواند سرزندگی‌ات را کم کند، من گاهی این حسنگی را حس می‌کنم. اگر جوانی کردن را به ۱۰ قسمت تقسیم کنیم، شش‌هفت تایش را دارم.

**شیرین:** نه. توی جمع ما فقط من هستم که جوانی نمی‌کنم. دوستان من هیچ کدامشان شاغل نیستند، می‌گویند کار نیست. هدف وانگیزه ندارند. باهم می‌روند بیرون و آخر هفته‌ها همیشه به مهمانی‌اند. من سرم را خیلی شلوغ کردم. فکر و ذهنم شده کار، کار و کار. انگیزه‌ای برای بیرون رفتن و تفریح کردن ندارم. درون‌گرا هستم و همیشه در حال کنسل کردن دوره‌می‌ها. خانه هم دوست ندارم بمانم. آن قدر جایی نمی‌روم که همه از حضور گاهی یک‌بارم تعجب می‌کنند. دوستانم می‌گویند مثل سی‌چهل ساله‌ها شدی.

**سعید:** جوانی کردن یعنی بی‌فکری کردن، نگران آینده نبودن، شاد بودن، سفر رفتن، با رفاقتن، بازی کردن و زمان را صرف چیزهایی کردن که خوشایند است. با این تعریف، من هیچ‌گاه در زندگی‌ام جوانی نکرده‌ام و هنوز وارد دهه سوم زندگی‌ام نشده‌ام. گاهی حس می‌کنم انرژی‌ام به اندازه آدم چهل ساله‌است. در خانواده‌ما اختلاف سنی‌ها زیاد است و من که همیشه با آدم‌بزرگ‌ها سروکار داشته‌ام، در عمل کودکی و نوجوانی و جوانی نکردم.

برنامه یک روز معمولی‌ات را تعریف کن.

**جواد:** بیکار باشیم، ظهر بیدار می‌شویم، بعد یک استکان چای می‌خوریم، موتور سواری می‌شویم و دوری می‌زنیم. شانس‌ی اگر پیک موتوری به‌ما بخورد، می‌رویم از این‌سر شهر به آن‌سر شهر به ۲۰ هزار تومان که پول بنزین می‌کنم نمی‌شود. به تورمان نخورد، دوسه ساعت می‌رویم مغازه بردارمان با چهار تا رفیقی. چیزی. که روزمان شب بشود. شب هم یازده دوازده می‌خواهیم، اگر با رفاقت قرار نداشته باشیم.

**فائزه:** برای نماز صبح که بیدار می‌شوم، غذای خودمان و بچه‌ها را جدا بار می‌گذارم، با حرارت کم، بیدار که بشوند، آن قدر کار دارم که دیگر فرصت یخت و ییز نیست. دوباره می‌خوایم. چقدرش بستگی دارد به خواب بچه‌ها. یک روز ساعت ۷ بیدار می‌کنند، یک روز هم هوای مادرشان را دارند و تا ساعت ۱۰ می‌خوابند. صبحانه‌شان را می‌دهم، پوشک دخترم را عوض می‌کنم و... ناهار را آماده می‌کنم. شوهرم که بیاید، غذا می‌خوریم. باهم طرف می‌شویم و خانه را مرتب می‌کنیم. عصر اگر خرید داشته باشیم، همه باهم می‌رویم بیرون. شام می‌پزم. سریال حبیب‌رانگا می‌کنیم و حدود ساعت ۱۲ شب می‌خواهیم. اگر دخترم بگذارد. اگر هم نگذارد که تا ساعت ۴ صبح بیداریم. البته بیشتر شب‌ها شوهرم نگهش می‌دارد.

**شیرین:** به نسبت دوستانم که تا عصر می‌خوابند، صبح زود بیدار می‌شوم، حدود ساعت ۹. درس می‌خوانم. ساعت ۱۰ کلاس می‌روم. ساعت ۱۲ صبحانه و ناهار را باهم می‌خورم، ساعت

**سعید:** می‌خواهم مثل دوران بی‌دغدغه کودکی آرامش داشته باشم. پس زندگی‌ام باید از نظر مادیات سرشار باشد. پول ۹۹،۹۹ درصد دغدغه‌های زندگی را رفع می‌کند. خود پول برایم هدف نیست. هدفی دارم که لازمه رسیدن به آن پول است. هدف بعدی‌ام این است که این زندگی بی‌دغدغه را برای بقیه هم فراهم کنم. اول عزیزانم و بعد مسئولیت‌های اجتماعی‌ام. اگر بهترین اوضاع مالی را داشته باشی و وضع بد دیگران را ببینی که فایده‌ای ندارد.

### چهره به چهره با نوجوانان

گزارشی از طرحی که کمی‌خواهد باب گفت‌وگو میان دونسل را باز کند



یلدا مهدوی از «چهره به چهره، تا چکامه، با نوجوانان» طرح‌هایی که هدفشان نسل نوجوان امروزی است. سال ۱۳۸۰ اصل و پایه طرح را استاد اقامه نماز و حجت الاسلام والمسلمین قرائتی پایه‌ریزی کردند. طرح «چهره به چهره»، این روزها برای دهه هشتادی‌ها در حال اجراست. پنجشنبه‌ای که پشت سر گذاشتیم، گردهمایی مربیان و مبلغان این طرح با هدف کاهش آسیب‌های اجتماعی در میان نسل نوجوان برگزار شد. علی اکبر روحی گل خطنی مجری این طرح تربیتی در استان خراسان رضوی است. هدف این دو طرح نوجوانان اند و محور اجرای آن‌ها نیز برای این قشر پایه‌ریزی شده‌است. روحی در حاشیه این گردهمایی توضیحاتی برای این دوره یک‌روزه داد. او در ابتدای گفته‌هایش بیان کرد: «طرح فرهنگی تربیتی چهره به چهره از سال ۱۳۸۰ وزیر نظر استاد قرائتی در کشور آغاز شد. در ادامه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز از این طرح حمایت کرد. به گفته روحی، هدف این طرح تربیت و رشد معنوی نوجوانان و جوانان توسط استادان حوزه و دانشگاه است.»

چهره به چهره با هزار نوجوان خراسانی

در باره چندوچون اجرای این طرح در استان و اینکه از چه سالی در استان‌مان اجرایی شده‌است، روحی این‌طور بیان می‌کند: «با پیگیری‌های انجام شده، طرح فرهنگی تربیتی چهره به چهره از سال ۱۳۹۰ در خراسان رضوی وارد مرحله اجرایی شد. در این مدت حدود هزار نوجوان در استان توانستند در دوره‌های این طرح شرکت کنند.»

مدیر کانون فرهنگی هنری شهید روحی با ارائه آماری می‌گوید: «حدود دو دهه از اجرای این طرح می‌گذرد و ۲ هزار و ۵۰۰ حلقه تربیتی با حضور ۲ هزار و ۵۰۰ مربی در کشور برگزار شده که سهم ما در استان، برگزاری دو حلقه تربیتی برای نوجوانان بوده‌است.» روحی درباره چگونگی حضور استادان و برپایی دوره‌ها با نوجوانان این‌طور پاسخ می‌دهد: «حلقه‌های تربیتی در مساجد و مدارس به صورت هفته‌ای یک بار برگزار می‌شود. استادان نیز با توجه به نیازسنجی و نظرسنجی و موضوع‌ها انتخاب می‌شوند. انجام فعالیت‌های اردویی، مهارتی و مسابقات کتاب‌خوانی در کنار حلقه‌های تربیتی از جمله برنامه‌های کاربردی در موضوع جذب نوجوانان است.»

او دوره یک‌روزه چهره به چهره برگزار شده در مشهد را این‌طور ارزیابی می‌کند: «در این گردهمایی یک‌روزه بیش از پنجاه نفر از مربیان تربیتی به‌منظور آموزش و دانش‌افزایی برای هدایت بهتر نوجوانان و جوانان حضور یافتند و محتوای آموزشی با محوریت اصول دین، مسائل قرآنی و سیره اهل بیت(ع) در قالب شش جلد کتاب دعوت و ۱۰ جلد کتاب امید (کاهش آسیب‌های اجتماعی) در اختیار مربیان قرار گرفت تا آن‌ها در جلسات هفتگی که در مساجد، حسینیه‌ها یا بوستان‌های محلات برگزار می‌کنند، این مطالب را به نوجوانان و جوانان ارائه دهند.»

چکامه برای ریشه‌کنی آسیب

مدیرعامل مؤسسه فرهنگی هنری شهید روحی در ادامه به طرح «چکامه» نیز اشاره می‌کند، طرحی که محوریتش نیز بر پایه مسائل و آسیب‌های اجتماعی است. او می‌گوید: «سال ۱۳۹۸ بود که طرح «چکامه» با هدف پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در مناطق آسیب‌خیز به تأیید وزارت کشور رسید. بر این اساس و با همین ضرورت، اجرای طرح چکامه از سال ۱۳۹۹ شروع شد.»

روحی در توضیحات تکمیلی درباره طرح چکامه می‌گوید: «بر پایه طرح چکامه دوست حلقه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در سکونتگاه‌های غیر رسمی کشور برگزار شد. در مشهد نیز تاکنون ۱۰ حلقه برپا شده‌است. امیدواریم با حمایت بیشتر بتوانیم این طرح را توسعه دهیم.»

هم‌کلامی دونسل

محمد مهدوی مربی تخصصی حلقه‌های تربیتی است. او حالا در طرح چهره به چهره استان به عنوان سرمربی فعالیت می‌کند. می‌گوید کار کردن با نوجوان شرایط خاص و روحیه‌ای خاص می‌طلبد. مهدوی به این جمله‌اش یک تأکید نیز اضافه می‌کند: «مربیان طرح چهره به چهره به دلیل اینکه با قشر نوجوان سروکار دارند، باید افرادی توانمند، پویا و سرزنده باشند تا بتوانند با نسل نوجوان ارتباط قوی برقرار کنند.»

مهدوی به برگزاری دوره یک‌روزه طرح چهره به چهره در مشهد نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «این دوره که ویژه مربیان بود، می‌تواند نقش بسزایی در افزایش مهارت‌های تعامل بین مربیان با نسل نوجوان داشته باشد. البته این را اضافه‌کنم که مربیان شناسایی شده برای این دوره‌ها افراد باتجربه هستند که ارتباط‌گیری قوی با نسل نوجوان دارند.»

این مربی تخصصی طرح چهره به چهره، گفت‌وگو و مستقیم‌رایکی از شاخصه‌های نزدیک شدن دو نسل می‌داند و می‌گوید: «مربیان با ایجاد حلقه‌های تربیتی در مساجد به تبیین احکام تربیتی میان نوجوانان می‌پردازند. بی‌شک هر کدام از این نوجوانان می‌توانند نمونه‌والگوی خوبی برای هم‌نسلی‌های خود باشند.» این سرمربی طرح چهره به چهره استان به برگزاری حلقه‌های تربیتی این طرح در مساجد نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «حضور نوجوان در مساجد به نوبه خود می‌تواند نشانه و مصداقی از کارکرد های اجتماعی مساجد باشد.»

ضرورت پررنگ شدن کارکردهای اجتماعی مسجد

مهدوی در ادامه مسجد را پایگاه مردمی ذکر می‌کند. با این حال، به این موضوع نیز اشاره می‌کند که مساجد از کارکردهای اجتماعی خود دور شده‌اند. مصداق حرف‌هایش تصور نقش بسته در آذهان عمومی مردم است: «از دید بخشی از مردم مساجد فقط نقش عبادی دارند.» او به برگزاری این دوره برای مربیان نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «این هنر مربی توانمند است که بتواند نوجوانان را جذب مسجد به عنوان پایگاه اجتماعی کند و آن‌ها را چنان در مسیر درست هدایت کند که هر کدام از آنان الگویی برای هم‌نسلان خود باشند.»

